

Comparative study of sport diplomacy in development of foreign relations of I.R.Iran and selected countries

Mahdi Shariati Feizabadi*

Received: 2019/01/19

Accepted: 2019/09/17

Among the large numbers of nongovernmental, multinationals and intra governmental organizations, sports and its international organizations like international Olympic committee as greatest common value of today's societies, without any racism or ethnic color, has been accelerated the realization of truly global village. Therefore, the aim of this study is to compare the sport diplomacy in Iran and selected countries (the United States, China, Australia, Turkey, Russia and Japan). The present study was applied and that was reviewed by more than 50 articles, books, notes, news and more during the years 2000 to 2018 by using the Bereday pattern. To obtain the required information, English and Persian texts were collected until the end of 2018; The findings showed that developed countries such as the United States, Japan and Australia alongside emerging economies (BRICs), such as Russia and China, by presenting a comprehensive program in use of athletes, coaches, referees and even college sports pursuing their political goals in the field of sport, whereas the Islamic Republic of Iran's decision makers use sport merely as a phenomenon for entertainment and recreation, and they are just "interested" in sport instead of "have perception" about it.

Keywords: Soft power, Sport diplomacy, Islamic Republic of Iran, Foreign relation.

* Assistant Professor of Physical Education at Technical and Vocational University, Tehran, I.R. Iran. mshariati@tvu.ac.ir

مطالعه تطبیقی دیپلماسی ورزش در توسعه روابط خارجی ایران و کشورهای منتخب

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۶

مهدی شریعتی فیض آبادی *

چکیده

در میان انبوه سازمان‌های غیردولتی، چندملیتی و بین‌حکومتی، ورزش و نهادهای جهانی آن مانند کمیته بین‌المللی المپیک به عنوان بزرگترین ارزش مشترک جوامع امروز سبب شد تا فارغ از هر گونه رنگ قومی و نژادی، تحقق دهکده‌ای به واقع جهانی با شتابی روزافزون صورت گیرد؛ لذا هدف از پژوهش حاضر مطالعه تطبیقی دیپلماسی ورزشی در ایران و مقایسه آن با کشورهای منتخب (ایالات متحده، چین، استرالیا، ترکیه، روسیه و ژاپن) بود؛ پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی که با بررسی بیش از ۵۰ مقاله، کتاب، یادداشت، خبر طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۷ با استفاده از الگوی بردی انجام شد. برای دستیابی به اطلاعات مورد نیاز متون انگلیسی و فارسی تا پایان سال ۲۰۱۸ میلادی جمع‌آوری و مورد مطالعه قرار گرفت؛ یافته‌های پژوهش نشان داد کشورهای توسعه‌یافته مانند ایالات متحده، ژاپن و استرالیا در کنار کشورهای دارای اقتصاد نوظهور (بریک) مانند روسیه و چین با ارائه برنامه‌ای جامع و در قالب استفاده از ورزشکاران، مربیان، داوران و حتی شرکت‌های ورزشی به دنبال تحقق اهداف کلان سیاسی خود در بستر ورزش هستند؛ حال آنکه تصمیم‌گیران سیاسی ایران به ورزش به عنوان پدیده‌ای تفریحی نگرسته و هنوز به "علاقه‌مندی" به جای "ادراک" از ظرفیت ورزش ایران در عرصه بین‌الملل بسنده کرده‌اند.

واژگان کلیدی: قدرت نرم، دیپلماسی ورزشی، جمهوری اسلامی ایران، روابط خارجی.

* استادیار تربیت‌بدنی دانشکده تربیت‌بدنی امام علی (ع) دانشگاه فنی و حرفه‌ای، تهران، جمهوری اسلامی ایران.
mshariati@tvu.ac.ir و mahdishariatifeiz@gmail.com

مقدمه

بیان مسئله: شاید تعبیر مارکوویتس و رنسن (۲۰۱۰) مبنی بر قرار گرفتن "جهان به عنوان بخشی از ورزش" اغراق‌آمیز است، اما به راستی می‌توان گفت که امروزه جامعه جهانی با ورزش پیوندی جدایی‌ناپذیر دارد. ورزش بین‌الملل با سازوکارها و نهادهای بزرگ خود از جمله کمیته بین‌المللی المپیک (۲۱۱ عضو) و فیفا (۲۰۶ عضو) توانسته است حتی از سازمان ملل متحد (۱۹۳ عضو) نیز پیشی گرفته (پوستلویت و گریکس، ۲۰۱۶) و موفقیت یک کشور در این رویدادها با اعتباری جهانی همراه باشد. مفهوم دیپلماسی ورزش به عنوان یکی از شاخص‌های اصلی توسعه قدرت نرم و دیپلماسی عمومی مورد توجه بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و اقتصادهای نوظهور (بریکس) قرار گرفته است. تحلیل‌گران معتقدند همانگونه که دیپلمات‌ها برای تحقق منافع ملی به دور میز می‌نشینند، ورزشکاران نیز برای تقویت این منافع به دور پیست می‌دوند (مورای، ۲۰۱۳). در این میان مطالعه "چیستی، چرایی و چگونگی" استفاده از دیپلماسی ورزشی در کشورهای موفق در این زمینه می‌تواند به ادراک سیاست‌مداران ایرانی از ورزش به عنوان اهرمی در راستای تأمین بهتر منافع ملی کمک نماید. موضوعی که مسئله‌ای مهم برای جامعه فعلی ما به‌شمار می‌آید.

اهمیت: قرار گرفتن ایران در خاورمیانه به عنوان منطقه‌ای که قریب به ۶۰ درصد نفت جهان را تأمین می‌نماید، در کنار ایدئولوژی ملی-مذهبی ما در مبارزه با امپریالیسم جهانی همواره سیاست خارجی ایران را به چالش کشیده است. رشد بازیگران غیردولتی در فضای روابط بین‌الملل و معرفی سفیران هنری، علمی و ورزشی در این صحنه سبب شده تا تصمیم‌گیران سیاسی تلاش نمایند با استفاده از ورزشی ایران (به عنوان نمونه قرار گرفتن بر سکوی هفدهم بازی‌های المپیک ۲۰۱۲ لندن) به عنوان مسیری پرفایده و کم‌هزینه قدرت نرم این کشور را در جهان افزایش دهند؛ لذا پژوهش حاضر به دلیل طرح و تبیین ظرفیت‌های راهبردی دیپلماسی ورزشی برای تصمیم‌گیران و سیاست‌مداران کشور، دارای اهمیت عملیاتی است. افزون بر این که با تولید ادبیات در این زمینه، اهمیت نظری آن نیز آشکار می‌شود.

ضرورت: عدم توجه به مقوله مهم دیپلماسی ورزشی می‌تواند به کاهش و تضعیف

منابع سیاست خارجی ایران منجر شود و از این طریق بسیاری از ظرفیت‌های بالقوه کشور را غیرفعال نگاه دارد که آسیبی بزرگ برای تأمین منافع ملی به شمار می‌آید. اهداف: هدف اصلی پژوهش حاضر محک نظری و تحلیلی به حوزه سیاست عملی کشور برای شناخت هر چه بهتر ظرفیت‌های بالقوه ایران در عرصه ورزشی برای تأمین منابع ملی است.

سؤال‌ها: سؤال اصلی پژوهش حاضر آن است که جمهوری اسلامی ایران چگونه می‌تواند با استفاده از تجارب کشورهای صاحب سبک در زمینه دیپلماسی ورزشی، سیاست خارجی خود را در عرصه بین‌الملل تقویت نماید؟ در این ارتباط پرسش از چیستی دیپلماسی ورزش و مولفه‌های آن، به همراه شناخت و تحلیل تجارب بازیگران دیگر، به عنوان سوال فرعی مطرح شده اند.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه دیپلماسی ورزش را می‌توان به لحاظ محتوا به دو دسته کلی تقسیم‌بندی کرد:

۲-۱. ورزش به مثابه امری مستقل از سیاست

در این مطالعات ورزش به عنوان پدیده‌ای مستقل از تعاملات سیاسی مطرح است و دیپلماسی ورزش به ارتباطات صرفاً ورزشی میان کشورهای مختلف محدود می‌شود. این دیدگاه با آنچه در المپیزم یا همان فلسفه المپیک آمده همخوانی دارد. کینگ (Qing) و همکاران او (۲۰۱۰) دریافتند که روزنامه‌های "تایمز لندن" و "نیویورک تایمز" پس از انتخاب پکن به عنوان میزبان بازی‌های المپیک ۲۰۰۸ تلاش کردند تا این انتخاب کمیته بین‌المللی المپیک را سیاسی و نه بر اساس شایستگی گزارش کنند. رو (Rowe) (۲۰۱۸) "ملت ورزشی" را مهم‌ترین تصویر استرالیایی‌ها در اذهان مردم جهان بعد از بازی‌های المپیک ۲۰۰۰ سیدنی گزارش کردند. شریعتی فیض‌آبادی و گودرزی (۱۳۹۴)، ورزش ایران را مقوله‌ای مجزا از فضای دیپلماتیک گزارش کردند که سیاست‌مداران ایرانی نگاهی تفریحی به این مفهوم دارند.

۲-۲. ورزش به مثابه ابزاری در خدمت سیاست

اکثر پژوهشگران این حوزه معتقدند، ورزش به عنوان ابزاری برای سیاستمداران مطرح است تا به وسیله آن بتوانند اهداف خود را تحقق بخشند. سترفیلد (Satterfield) (۲۰۱۳) معتقد است از ورزش می‌توان به عنوان ابزاری در راستای توانمندسازی زنان استفاده کرد. گریکس و هولیهان (Grix & Houlihan) (۲۰۱۷) نیز با بررسی برزیل و هند به عنوان دو کشور اقتصاد نوظهور گزارش کردند که برزیل با میزبانی جام جهانی فوتبال در سال ۲۰۱۴ و بازی‌های المپیک در سال ۲۰۱۶ و هندوستان نیز از طریق میزبانی بازی‌های کشورهای مشترک‌المنافع در سال ۲۰۱۰ توانست پرستیژ بین‌المللی خود را تقویت نماید؛ حال آنکه از سوی دیگر کشورهای کوچک حوزه خلیج فارس مانند قطر (جام جهانی فوتبال در سال ۲۰۲۲) و بحرین (مسابقات فرمول ۱) نیز توانستند از ورزش به عنوان ابزاری برای مطرح شدن خود بر روی نقشه جهان استفاده نمایند. لولا داسیلوا رییس جمهور برزیل در نامه‌ای به بلاتر (رییس فیفا) فوتبال و میزبانی جام جهانی را به عنوان ابزاری در راستای مبارزه با بی‌عدالتی، همبستگی میان زنان و مردان و از بین بردن تعصبات می‌داند (کاسترو، ۲۰۱۳). کاسترو (۲۰۱۳) نیز میزبانی بازی‌ها و رویدادهای مختلف ورزشی برزیل مانند: جام کنفدراسیون‌های فیفا (۲۰۱۳)، بیستمین قهرمانی دوندگان حرفه‌ای جهان (۲۰۱۳)، جام جهانی فوتبال (۲۰۱۴)، بازی‌های المپیک و پارالمپیک (۲۰۱۶)، پانزدهمین دوره بازی‌های پان‌آمریکن و پاراپان‌آمریکن (۲۰۰۷)، پنجمین دوره بازی‌های نظامی (۲۰۱۱) را موجبات افزایش قدرت هوشمندانه این کشور می‌داند. اگرچه طبق دکترین مونروئه آمریکایی‌ها و دید حیات خلوت به کشورهای آمریکای جنوبی (یوسفی، یزدانی و امید، ۱۳۹۷، ص. ۱۶۹)، آنها بارها نسبت به رفتار سیاسی کمیته بین‌المللی المپیک در ندادن میزبانی به شهرهای آمریکا در دهه اخیر اعتراض کردند. برخی نیز ورزش را به عنوان یک "نشان ملی" می‌دانند تا دولت‌ها بتوانند بر اجتماع تأثیرگذار باشند (نک. چا ۲۰۱۳). گریکس (۲۰۱۳) مهم‌ترین اهداف بریتانیا از برگزاری المپیک ۲۰۱۲ لندن را افزایش گردشگران، رشد سرمایه‌گذاری داخلی و افزایش صادرات، افزایش خودباوری نخبگان سیاسی کشور، بهبود و تقویت حس وطن‌پرستی و هویت ملی و در نهایت نمایش متمایز

میزبان می‌داند. گریکس و هولیهان (۲۰۱۷) جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان را فرصتی مناسب برای تصحیح تصویر ژرمن‌ها در اذهان مردم جهان پس از دو دوره تیره نازیسم و آلمان غربی سوشالیست - کمونیست گزارش کردند. مورای (۲۰۱۳) در پژوهش خود به کشورهای اشاری اشاره دارد که از فضای ورزش توانسته‌اند برای رشد سریع‌تر اقتصاد خود کمک گیرند. مورای (۲۰۱۳) در پژوهشی دیگر به رخ کشیدن قدرت نرم و افزایش جذابیت ملی در عرصه بین‌الملل را از جمله دستاوردهای موفق استرالیا در برگزاری بازی‌های المپیک ۲۰۰۰ سیدنی می‌داند. در پژوهش‌های داخلی نیز احمدی‌پور و همکاران (۱۳۹۲) تقویت ملی‌گرایی، حس قلمروخواهی، توسعه جهانی‌شدن، تقویت هویت‌های دیگر ملی را در کنار بروز ژست‌های ژئوپولیتیکی، انزوای ژئوپولیتیکی، ارتقای منزلت ژئوپولیتیکی، رواج فعالیت‌های تروریستی، تقویت همگرایی و تضعیف واگرایی را از مهم‌ترین کارکردهای ورزش نامید؛ شریعتی فیض‌آبادی (۱۳۹۴) نیز نشان داد که دستگاه‌های مرتبط با امر ورزش و سیاست خارجی ایران آن‌طور که باید از ظرفیت جهانی ورزش در جهت پیشبرد مقاصد سیاسی بهره نبرده‌اند.

با مطالعه ادبیات پیشینه به خوبی روشن است که طی چند سال گذشته کشورهای مختلف در تلاش بوده‌اند که سوگیری دستگاه دیپلماسی خود را صرفاً معطوف به هیئت حاکمه کشورهای مقابل نساخته و سازه‌های اجتماعی و ذهنی مردم آنرا نیز متأثر سازند؛ لذا با توجه به شرایط دوران پسابرجام و به‌ویژه تحریم‌های ظالمانه ایالات متحده در اوایل سال ۲۰۱۹ میلادی، و رشد حملات رسانه‌ای و تبلیغاتی غرب علیه ایران، بیش از پیش نیاز به ابزار و اهرم‌های غیرسیاسی و مطلوب مردم احساس می‌شود. دیپلماسی ورزش به عنوان یکی از ابزارهایی که توان مشروع‌سازی اهداف ملت‌ها را داراست (صباغیان، ۱۳۹۴) می‌تواند هزینه کمتری را در جهت نیل به اهداف سیاست خارجی ایران داشته باشد. لذا با مطالعه چگونگی استفاده از ورزش به عنوان ابزاری دیپلماتیک در سایر کشورهای پیشرفته، می‌توان ضمن ادبیات‌سازی پیرامون دیپلماسی ورزشی در روابط خارجه جمهوری اسلامی ایران، تصمیم‌گیران سیاسی ایران را به استفاده بهینه از این ابزار ترغیب نماید.

۳. مبانی مفهومی و نظری

۳-۱. تعریف دیپلماسی ورزش

تعاریف مختلفی از دیپلماسی ورزش در متون مختلف به‌ویژه در دهه گذشته آمده است؛ از "جنگ بدون شلیک" (جکسون، ۲۰۱۳) تا "ابزار توسعه صلح پایدار" (شریعتی فیض آبادی و ناظمی، ۱۳۹۶) که همه آنها به دنبال فهم بهتر تعاملات عرصه بین‌الملل و دوستی‌ها و کمک به از بین بردن کلیشه‌ها و تعصب بودند. ورزش ابزاری "کم خطر، کم هزینه و پرمحتوا" برای فعالیت‌های دیپلماتیک است (پیگمن و راف، ۲۰۱۴، ص. ۱۰۹۵). در تعریفی جامع دیپلماسی ورزش را می‌توان بخش پرننگ دیپلماسی عمومی نامید که در آن از تمامی ظرفیت‌های سخت افزاری و نرم افزاری ورزش یک کشور از قبیل تجهیزات و فضاهای ورزشی، ورزشکاران، مربیان، مدیران ورزشی، استفاده تا قدرت نرم آن در عرصه بین‌الملل تقویت گردد (شریعتی فیض-آبادی، ۱۳۹۴، ص. ۷۷).

۳-۲. نظریه‌های دیپلماسی ورزش

در ارتباط با دلایل و علل روی آوردن سیاست‌مداران به ورزش جهت استفاده از این ظرفیت با اهداف سیاسی، نظریه‌های بسیاری ارائه شده که عموماً بر مسئله حل و فصل اختلافات و تقویت صلح تأکید دارند (نک. نایگارد و گینس، ۲۰۱۳، ص. ۲۴۹)، اما با انتخاب رویکردی جامع می‌توان چهار رویکرد نظری را شناسایی کرد که هر یک به بعدی از این موضوع اشاره دارند و از ترکیب آنها می‌توان به مبنای نظری نسبتاً جامعی در این خصوص دست یافت. این رویکردها عبارتند از (نک. پاستلتویت و گریکس، ۲۰۱۶):

الف. نظریه‌هایی که قائل هستند دیپلماسی ورزش به مثابه مکمل سیاست رسمی دولت‌ها مطرح است و از طریق بیان رسا و گسترده نظرات مردم، این نقش را ایفا می‌کند.

ب. برخی از تحلیل‌گران معتقدند دیپلماسی ورزش با تمرکز بر «رویدادهای بزرگ ورزشی»، عرصه و مجالی منحصر به فرد را برای ملت میزبان فراهم می‌سازد تا دیپلماسی عمومی‌اش را فعال و مؤثر به کار گیرد.

پ. نظریه "ورزش به مثابه قدرت مطلق" بر این ایده تأکید دارد که "ورزش" در عصر حاضر به عنوان یک "پدیده اضافه" یا "مکانی بکر" نیست، بلکه از وضعیت ابزاری خارج شده و به یکی از ابعاد ششگانه جهانی شدن تبدیل شده است. ظهور و عملکرد افرادی چون مسی، بکام و فدرر موید این معناست.

۴. دیپلماسی ورزش جمهوری اسلامی ایران

۴-۱. دوره قبل از انقلاب اسلامی

دیپلماسی ورزش ایران در قبل از انقلاب سازوکاری منفعلانه داشته و در حقیقت پیچیدگی سیاست خارجی پهلوی موجب قربانی شدن دیپلماسی عمومی به شکل عام و دیپلماسی ورزشی به شکل خاص در عرصه بین‌الملل گردیده بود (شهابی، ۱۳۸۸). شاید نقطه درخشان ورزش ایران پیش از انقلاب را بتوان میزبانی بازی‌های آسیایی ۱۹۷۴ تهران دانست؛ بازی‌های آسیایی ۱۹۷۴ در حالی در تهران برگزار گردید که ۲۲۵ نماینده رسانه‌ای از ۹۷ آژانس خبری سه قاره جهان این بازی‌ها را پوشش رسانه‌ای دادند. امیرتاش به دلیل آمادگی فوق‌العاده شهر میزبان (تهران)، فناوری پیشرفته، اقدامات امنیتی دقیق و سازماندهی دقیق در کنار روابط سیاسی - اجتماعی مناسب، این بازی‌ها را همواره در خاطر مردم آسیا ماندگار می‌داند (نک. امیرتاش ۲۰۰۵، ص. ۴۷۱).

۴-۲. جمهوری اسلامی

ایران در اولین سال‌های پس از انقلاب و در بحبوحه جنگ سرد با الگو قرار دادن اصل "نه شرقی نه غربی"، بازی‌های المپیک ۱۹۸۰ مسکو و ۱۹۸۴ لس‌آنجلس را با شعار "ما بازی نمی‌کنیم"، تحریم کرد (شهابی ۱۳۸۸، ص. ۲۰) که این موضوع تا به امروز در بین تمام کشورهای عضو کمیته بین‌المللی المپیک، منحصربه‌فرد بوده است. ایران تنها کشور جهان است که هر دو دوره این بازی‌ها را تحریم کرده است. با شروع جنگ تحمیلی (۱۳۵۹)، نه تنها ورزش بلکه مجموعه سیستم روابط خارجی ایران همانند سایر اجزا و بخش‌های کشور صرفاً به دنبال مقاومت نظامی در برابر دشمن متخاصم بودند. کارکرد وطن‌پرستی و میهن‌دوستی ورزش را در آن زمان می‌توان به خوبی در میان

ورزشکاران ایرانی مشاهده کرد (نک. خبیری ۱۳۹۲).

در دوران سازندگی سازمان‌های بین‌المللی ورزشی بزرگ پیشنهاد میانجیگری در از سرگیری روابط و کنار گذاردن دشمنی‌ها میان ایران و غرب به‌ویژه ایالات متحده را دادند که با توجه به جنایت هولناک آمریکایی‌ها در آن زمان و تصویر آنها از مردم ایران، این موضوع به هیچ عنوان در دستورکار تصمیم‌گیران سیاسی وقت قرار نگرفت. به عنوان نمونه سامارانش رییس وقت کمیته بین‌المللی المپیک در سال ۶۷ اعلام کرد که حاضر است در روابط ایران و آمریکا نقش میانجی را ایفا نماید و حتی پیشنهاد کرد تا نماینده ایران با رئیس جمهور آمریکا ملاقات نماید. طبعاً این امر در دستورکار سیاست خارجی ایران نبود و به همین دلیل پاسخ منفی به او داده شد (خبیری، ۱۳۹۶). اگرچه در همین سال‌ها و پس از حضور ایران در بازی‌های المپیک ۱۹۸۸ سئول، عسگری محمدیان به عنوان آخرین کشتی‌گیر ایرانی در فینال مسابقات و در حضور دوربین‌های خبری پس از شکست از بلاگازوف روس، او را روی دوش ۷ دور در سالن چرخاند؛ تلویزیون کره این تصویر را لید خبر ورزشی خود گذاشت و آن‌را به عنوان ماهیت واقعی ورزش معرفی کرد.

از نیمه دوم دهه ۱۳۷۰ در ایران شاهد دگردیسی ورزش ایران در عرصه بین‌الملل هستیم. مارکس (Marks) روزنامه‌نگار و گزارشگر آمریکایی که تیم ملی کشتی ایالات متحده را برای مسابقات جام جهانی کشتی در سال ۱۹۹۸ تهران همراهی می‌نمود، ضمن تمجید از ایرانی‌ها می‌نویسد: "این اولین بار بود که نه تنها یک تیم بلکه یک هیئت آمریکایی پس از انقلاب ۱۹۷۹ وارد ایران شد؛ سرتاسر سالن به تشویق کشتی-گیران آمریکایی می‌پرداختند؛" وی در نتیجه گزارش خود آورده است که ورزش تنها عرصه‌ای است که مردمان یک کشور می‌توانند به راحتی عقیده خود را نسبت به مردمان کشور دیگر ابراز دارند (مارکس، ۱۹۹۹، ص. ۵۴۸). مطبوعات مسابقه کشتی فوریه ۱۹۹۸ را "دیپلماسی کشتی" نامیدند؛ پرچم ایالات متحده توسط ورزشکاران در سالن حمل گردید. در دست گرفتن تصویر مقام معظم رهبری توسط داگلاس کشتی‌گیر آمریکایی در حضور اصحاب رسانه، پیامی بزرگ برای مردمان جهان و به شکل خاص مردمان دو کشور داشت. چندماه پس از این بازی‌ها و در مرحله انتخابی مسابقات جام

جهانی فوتبال ۱۹۹۸ فرانسه، فوتبالیست‌های ایرانی توانستند پس از ۲۰ سال (بعد از جام جهانی ۱۹۷۸ آرژانتین) و برای اولین بار پس از انقلاب اسلامی به بزرگترین رویداد ورزشی تک رشته‌ای جهان راه پیدا نمایند (شریعتی، ۱۳۹۴، ص. ۳۳). جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه نقطه عطفی در ورزش ایران بود جایی که فوتبال ایران با پیروزی بر ایالات متحده در مرحله گروهی موجبات انتقال بازیکنان ایرانی مانند علی دایی، مهدی مهدوی‌کیا، کریم باقری، خداداد عزیزی به کشورهای اروپایی و حضور آنها در لیگ‌های معتبر جهانی مانند لیگ قهرمانان اروپا، بوندسلیگا و لیگ برتر انگلستان بود. این اتفاق سبب شد تا سفیران ورزشی ایران تصویری جدید از "ایران پس از جنگ" به جامعه جهانی ارائه نمایند (شریعتی فیض‌آبادی، ۱۳۹۴). اشریک و همکاران او (۲۰۱۷) جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه و عکس یادگاری ابتدای این بازی فوتبال را به عنوان سیاسی-ترین مسابقه فوتبال در ادوار جام جهانی فوتبال می‌داند.

هزاره سوم میلادی برای ورزش ایران با افتخار آفرینی در المپیک ۲۰۰۰ سیدنی آغاز گردید؛ در این دوره از مسابقات کاروان ایران با کسب ۳ مدال طلا توانست نتیجه‌ای تاریخی در آن زمان به دست آورد؛ هادی ساعی توانست در این دوره از مسابقات اولین طلای تاریخ تکواندو ایران را در بازی‌های المپیک کسب که با بازتاب رسانه‌ای بزرگی در کره جنوبی (مهد تکواندو جهان) همراه بود؛ حسین رضازاده نیز اولین مدال طلای وزنه‌برداری سنگین وزن دنیا را با رکوردشکنی تصاحب و خود را به عنوان قویترین مرد جهان در بازی‌های المپیک معرفی کرد؛ این درخشش سبب شد تا تصویر او در دو دوره بعدی بازی‌های المپیک ۲۰۰۴ آتن و ۲۰۰۸ پکن بر روی جلد روزنامه‌های این کشورها قرار گیرد (با توجه به شعار بازی‌های المپیک مبنی بر "سرریز، قویتر و بالاتر" مرغوبترین مدال بازی‌های المپیک مربوط به سه رشته دو ۱۰۰ متر، پرش ارتفاع و وزنه‌برداری است) (خبیری و همکاران، ۱۳۹۴). المپیک ۲۰۱۲ لندن را می‌توان تاریخ سازترین این بازی‌ها برای ورزشکاران ایرانی نامید جایی که کاروان ایران برای اولین بار با کسب ۶ طلا، ۶ نقره و ۱ برنز بالاتر از کشورهای اسپانیا، برزیل، کانادا و سوییس در رده هفدهم جهان قرار گرفت.

اگرچه تیم فوتبال ایران نتوانست در جام جهانی ۲۰۰۲ حضور یابد اما سه دوره

حضور در جام‌های جهانی ۲۰۰۶ آلمان، ۲۰۱۴ برزیل و اخیراً ۲۰۱۸ روسیه موجبات تقویت پرستیژ بین‌المللی ایران گردید؛ به عنوان نمونه بازی ایران با پرتغال در مرحله گروهی جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه سبب شد تا مفسر انگلیسی بازی، ایران را شایسته پیروزی و فوتبالیست‌های ایرانی را برای بیننده‌های پرشمار این مسابقه با هویت و منسجم تفسیر نماید. حضور قریب به یک دهه والیبالیست‌های ایران در لیگ جهانی، حضور بسکتبال در المپیک ۲۰۲۰ توکیو در کنار موفقیت‌های داوران و مربیان ایرانیان از جمله قضاوت علیرضا فغانی در فینال المپیک ۲۰۱۶، علی نیلی در فینال مسابقات تنیس گرنداسلم ایالات متحده در سال ۲۰۱۹، مربیگری رضا مهماندوست برای تیم ملی تکواندو آذربایجان مبین این موضوع است که ورزش ایران در دوران پس از انقلاب اسلامی توانسته ظرفیت و شرایط لازم برای حضور مؤثر در عرصه سیاست و طرح دیپلماسی ورزش ایران را به‌دست آورد.

۵. دیپلماسی ورزش در سایر کشورها

پس از گذشت حدود دو قرن از عصر طلایی دیپلماسی (مورای، ۲۰۱۳)، امروزه ورزش را به عنوان بخشی از زندگی اجتماعی جهان مدرن می‌دانند؛ از پروپاگاندای نازی در المپیک تابستانی ۱۹۳۶ برلین تا "المپیک قرن" در ۲۰۰۸ پکن، ورزش همواره به‌عنوان ابزاری در دست قدرت‌های جهان بوده تا علاوه بر نمایش قدرت، غرور ملی و میهن‌پرستی خود را نیز تقویت نمایند (شریعتی و ناظمی، ۱۳۹۶، ص. ۱۶۸). هیتلر در بازی‌های المپیک تابستانی ۱۹۳۶ و موسولینی در جام جهانی ۱۹۳۴ فوتبال، ورزش را دستمایه تثبیت و نمایش قدرت حکومت‌های خود به جهانیان قرار دادند. هیتلر همواره به دنبال آن بود تا از ورزش به مثابه ابزاری برای انتقام‌گیری و اعمال سلطه استفاده نماید، تا جایی که او در بازی‌های المپیک ۱۹۳۶ اجازه حضور هیچ ورزشکار یهودی را در ترکیب تیم‌های ملی ژرمن‌ها نداد و این موضوع سبب شد تا آن بازی‌ها به‌عنوان "المپیک هیتلر" و نه "المپیک برلین" بر پیکره بازی‌های المپیک نقش بندد (خبیری و شریعتی، ۱۳۹۵، ص. ۲۱). شاید مفهوم "ورزش سیاسی" بهترین تعبیر ورزش بین‌الملل در آن زمان بود چرا که تا بعد از جنگ جهانی دوم ورزش به‌عنوان ابزاری دون مباحث

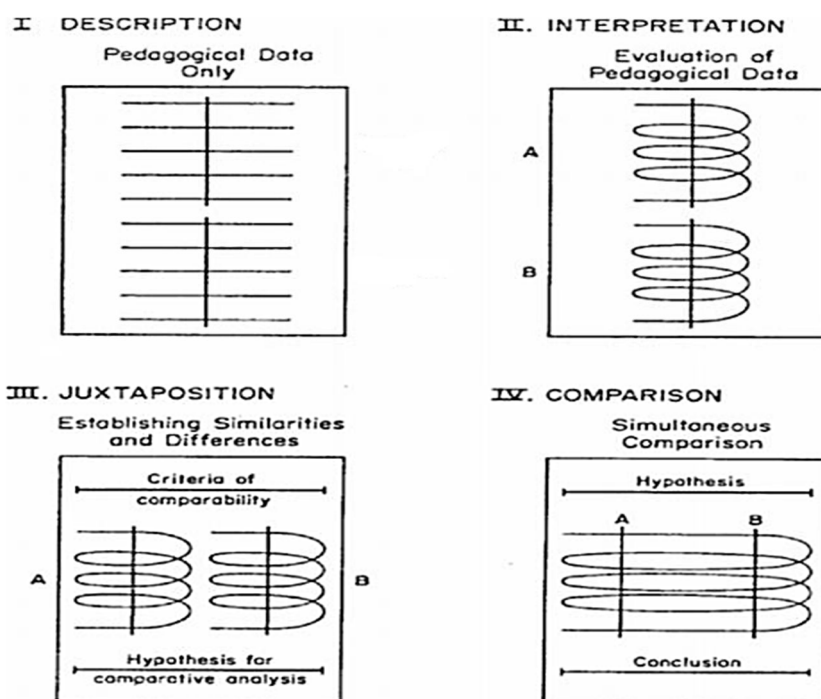
بین‌المللی و صرفاً به منظور نمایش قدرت کشورها در آن زمان بود. پس از جنگ جهانی دوم و به دنبال اولین پخش زنده تلویزیونی در بازی‌های المپیک ۱۹۶۰ رم، در کنار مطرح شدن مفاهیمی مانند قدرت نرم، دیپلماسی نوین و دیپلماسی عمومی، ورزش به تدریج به عنوان ابزاری کارآمد و قابل انعطاف در سیاست خارجه زمینه‌ساز "از سرگیری" روابط میان دولت‌ها گردید (مورای و پیگمن، ۲۰۱۴، ص: ۱۱۲۰). نمونه بارز و تاریخی این اتفاق را می‌توان در آوریل ۱۹۷۱ و به آنچه بعدها به عنوان دیپلماسی پینگ پنگ نام گرفت، مشاهده کرد؛ این ملاقات تاریخی را ابتدا کمیته ملی غیرانتفاعی ایالات متحده پیشنهاد داد؛ پس از ملاقات بازیکن آمریکایی گلن کووان با قهرمان ۳ دوره مسابقات پینگ پنگ جهان یعنی ژوانگ زدونگ که در مارس ۱۹۷۱ در شهر ناگویای ژاپن صورت گرفت. بعدها این پیشنهاد توسط حکومت‌های مائو و نیکسون به عنوان ابزاری برای سنجش از بین بردن سردی روابط میان چین و ایالات متحده استفاده گردید. دیپلماسی پینگ پنگ در واقع راه را برای ملاقات مشاور دبیر ملی ایالات متحده آمریکا و بازدید او از چین و بعدها بازدید رییس جمهور نیکسون در سال ۱۹۷۲ هموار کرد (پیگمن و مورای، ۲۰۱۴، ص: ۱۱۲۳). گریکس (۲۰۱۳) و پیگمن و مورای (۲۰۱۴) تعبیر جالبی از این اتفاق تاریخی دارند؛ از نظر آنها دیپلماسی پینگ پنگ در سال ۱۹۷۱ نقش "ذوب‌کننده یخ" روابط میان چین و ایالات متحده را داشت.

۶. روش پژوهش

پژوهش حاضر کاربردی است که در سال ۱۳۹۷ با بررسی بیش از ۵۰ مقاله، کتاب، یادداشت، و خبر طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۷ با استفاده از الگوی بردی (Bereday pattern) انجام شد. این الگو از چهار مرحله توصیف، تفسیر، همجواری و مقایسه تشکیل شده است (شکل شماره ۱). در مرحله توصیف پدیده‌های تحقیق بر اساس شواهد و اطلاعات یادداشت‌برداری و تدارک‌های کافی برای بررسی و نقادی در مراحل بعدی آماده می‌شود. در مرحله تفسیر اطلاعات جمع‌آوری شده در مرحله اول واریسی و تحلیل می‌شوند. در مرحله همجواری اطلاعاتی که در مرحله قبل آماده شد به منظور ایجاد چارچوبی برای

مقایسه و تفاوت‌ها طبقه‌بندی و درکنار هم قرار می‌گیرند و در نهایت در مرحله مقایسه مسئله تحقیق با توجه جزئیات در زمینه شباهت و تفاوت‌ها و دادن پاسخ به سؤالات تحقیق، بررسی و مقایسه می‌شوند.

شکل شماره (۱): الگوی بردی



(منبع: آنترا، ۲۰۱۷: ص. ۳۱)

برای دستیابی به اطلاعات مورد نیاز متون انگلیسی و فارسی تا پایان سال ۲۰۱۸ جمع‌آوری شد؛ جستجوی الکترونیکی با استفاده از پایگاه‌های فارسی و انگلیسی زبان گوگل اسکالر، ساینس دایرکت، نورمگز، مگیران، سید با استفاده از واژه‌هایی مانند "قدرت نرم"، "دیپلماسی"، "دیپلماسی ورزشی"، "دیپلماسی ورزشی"، "دیپلماسی فرهنگی" جستجو و کلیه مقالات مرتبط وارد مطالعه شدند.

۷. یافته‌های توصیفی

به منظور گردآوری داده‌های اولیه به کشورهای دارای اقتصاد پیشرفته (ایالات متحده، ژاپن، استرالیا) و کشورهای اقتصاد نوظهور (روسیه، چین) در کنار کشورهای همسایه ایران مانند ترکیه توجه شده است که توانسته‌اند از ورزش به عنوان ابزاری برای توسعه اقتصادی سیاسی خود استفاده می‌نمایند؛ در ادامه داده‌های مورد نظر گردآوری، طبقه‌بندی و به صورت جدولی در زیر ارائه گردیدند:

جدول شماره (۱): راهبردهای دیپلماسی ورزشی در کشورهای منتخب (منبع: یافته‌های پژوهش)

کشور	راهبردهای استفاده از دیپلماسی ورزشی
استرالیا	<p>استرالیا را می‌توان نمونه‌ای کامل در استفاده از دیپلماسی ورزشی به عنوان ابزاری در اختیار سیاست خارجه دانست؛ دپارتمان تجارت و امور بین‌الملل (دی.اف.ای.تی) متولی اصلی مدیریت دیپلماسی ورزشی در وزارت خارجه این کشور می‌باشد؛ این دپارتمان در تلاش است تا با استفاده از ورزش، ارتباطات و تعاملات خود با سایر کشورها به ویژه کشورهای برزیل، کره جنوبی، ژاپن، روسیه، پرو و کشورهای خاورمیانه را بیش از پیش تقویت نماید. به علاوه این کشور در سال ۲۰۱۵ علاوه بر انتشار اولین برنامه راهبردی چهارساله رسمی دیپلماسی ورزش خود تا سال ۲۰۱۹، تلاش کرد تا از ورزش در مسیرهای ذیل استفاده نماید:</p> <ul style="list-style-type: none"> ارتباط مردم و مؤسسات مختلف مرتبط با ورزش با یکدیگر: استرالیا تلاش دارد تا از ورزش به عنوان ابزاری دیپلماتیک به منظور تقویت خود در منطقه هند و پاسیفیک استفاده نماید؛ در چشم‌انداز سند راهبردی دیپلماسی ورزش، ارتباط مردم با یکدیگر به ویژه با مردم سایر کشورهای منطقه هند و پاسیفیک به عنوان یکی از نکات اساسی این سند آمده است. نمایش استرالیا به مردمان جهان از طریق ورزش: تصویر استرالیا پس از برگزاری المپیک ۲۰۰۰ سیدنی (المپیک سبز) کشوری موفق در میزبانی رویدادهای بزرگ ورزشی است؛ علاوه بر سهم ۳ درصدی ورزش از تولید ناخالص داخلی این کشور، استرالیا امروزه به عنوان "ملت ورزشی" جهان مشهور است. ورزش استرالیا امروز توانسته است این کشور را فضایی "آزاد برای تجارت" معرفی نماید. حمایت از خلاقیت و تحقق انسجام از طریق ورزش: این موضوع از طریق انعقاد تفاهم‌نامه‌های ورزشی، برنامه اتحاد و انسجام رشته‌های ورزشی و ایجاد خلاقیت در رشته‌های ورزشی در سند راهبردی دیپلماسی ورزشی این کشور که در سال ۲۰۱۵ تدوین گردید، پیگیری می‌شود.

<ul style="list-style-type: none"> • برنامه نظارت رهبران رشته‌های ورزشی: به‌منظور تقویت ارتباطات رهبران نوظهور، شرکای مدیران و متخصصان فنی حوزه ورزش با یکدیگر • تقویت ورزش به‌منظور توسعه استرالیا • بورسیه رشته‌های ورزشی استرالیا <p>در نهایت با مطالعه متون مختلف، دلایل موفقیت استرالیا در ورزش را در موارد زیر می‌توان خلاصه کرد:</p> <ul style="list-style-type: none"> • آب و هوای مطبوع • تسهیلات عالی • حمایت قوی دولت • انستیتو ورزش استرالیا (کارخانه مدال طلا) 	
<p>ژاپنی‌ها همواره در منطقه آسیا پاسفیک با چین و کشورهای آسی. آن مانند فیلیپین، اندونزی و تایلند بر سر انرژی و مسائل اقتصادی تنازعات بسیاری داشته‌اند؛ تا پیش از جنگ جهانی دوم رهبران ژاپن به‌دلیل استفاده بیش از حد از سخت‌افزار نظامی تصویر و برند این کشور را به‌عنوان ملتی استعمارگر و جنگجو در عرصه بین‌الملل معرفی کرده بودند؛ پس از جنگ جهانی دوم و به‌دنبال شکست ژاپنی‌ها تصویر و اعتبار این کشور در عرصه بین‌الملل بیش از پیش تخریب شد؛ این مسئله در کنار حملات هسته‌ای سبب شد تا ژاپنی‌ها به فکر استفاده از قدرت نرم افتاده و در ۱۹۵۲ همزمان با عضویت در سازمان ملل متحد برای میزبانی بازی‌های المپیک ۱۹۶۴ نیز نامزد شوند که مورد موافقت کمیته بین‌المللی المپیک قرار گرفت؛ المپیک ۱۹۶۴ نقطه عطفی در بازگشت ژاپن به جامعه بین‌الملل بود چرا که بیش از ۷۵ هزار نفر از ۹۸ کشور جهان برای دیدن این مسابقات وارد توکیو شدند؛ از آن زمان تاکنون ژاپنی‌ها از راهبردهای مختلفی به‌منظور استفاده از ورزش در راستای توسعه دیپلماسی عمومی خود استفاده نموده‌اند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱. تاسیس بنیاد ژاپن در ۱۹۷۲ به‌عنوان مهم‌ترین مرکز تعاملات فرهنگی و ورزشی و راه‌اندازی ۱۹ دفتر در ۱۸ کشور جهان تا به امروز. ۲. تشکیل جی لیگ در ۱۹۹۲ و حضور مربیان و بازیکنان خارجی مطرح مانند فیلیپ تروسیه، زیکو، زاکرونی از کشورهای فرانسه، برزیل، ایتالیا و سایر مربیان مطرح جهان. ۳. میزبانی مشترک جام‌جهانی ۲۰۰۲ و نمایش دیپلماسی موفق فوتبال با کره‌جنوبی به رغم مشکلات دیرینه دو کشور. ۴. انتقال موفق بازیکنان به سایر کشورها مانند هیده توشی ناکاتا به ایتالیا و استفاده از او در مراسم فرهنگی ژاپن در ایتالیا به عنوان سفیر این کشور ۵. رسانه‌ای‌سازی تحولات ورزشی داخل کشور مانند جی‌لیگ و لیگ جودو در کشورهای فیلیپین، مالزی و اندونزی ۶. انجام بازی‌های دوستانه فوتبال در کشورهای هدف به خصوص کشورهای حوزه 	ژاپن

<p>آ.سه.آن، چین و کره جنوبی ۷. تشکیل شورای عالی ورزش ژاپن و تلاش این شورا برای عقد تفاهم‌نامه با نهادهای بین‌المللی ورزش از جمله کمیته بین‌المللی المپیک</p>	
<p>هیلاری کلیتون را می‌توان یکی از تأثیرگذارترین تصمیم‌گیران سیاسی ایالات متحده در حوزه قدرت هوشمندانه و به ویژه دیپلماسی ورزش نامید؛ وی با مطرح کردن اصطلاح "قدرت هوشمندانه" در زمان حضور در وزارت خارجه آمریکا، به دنبال محقق ساختن تمامی منافع ملی ایالات متحده با استفاده از تمام ابزارهای دیپلماتیک بود. با مطالعه متون مرتبط با دیپلماسی عمومی و ورزشی ایالات متحده به صورت کلی می‌توان دو کارکرد عمده برای ورزش این کشور متصور شد:</p> <p>۱. ورزش به‌عنوان ابزاری برای سلب مشروعیت: در این شیوه دستگاه دیپلماتیک این کشور تلاش دارد تا هزینه‌های دخالت نظامی را کاهش و از ورزش به‌عنوان ابزاری برای تحریم و جریمه سایر کشورها استفاده نماید؛ مانند آنچه در المپیک ۱۹۸۰ مسکو اتفاق افتاد.</p> <p>۲. ورزش ابزاری برای تقویت تعاملات دیپلماتیک: نمونه بارز این موضوع را می‌توان در ظرفیت ارتباطی-اجتماعی ورزش در زمان جنگ سرد دید؛ پس از آن و به ویژه در زمان ریاست جمهوری کلیتون دستگاه دیپلماسی عمومی وزارت امور خارجه ایالات متحده با مطرح کردن برنامه "رشته‌های ورزشی متحد" در اداره آموزش و فرهنگ این وزارتخانه برنامه‌های مختلفی را برای بهره‌برداری از ظرفیت ورزش تدوین که در زیر به آنها اشاره شده است:</p> <ul style="list-style-type: none"> • استفاده از ورزش به منظور تقویت روابط دیپلماتیک: مانند دیپلماسی بیسبال با کوبا، پینگ‌پنگ با چین و یا کشتی و فوتبال با ایران • اعطای بورسیه‌های تحصیلی: مانند بورس‌های سیاسی برای ورزشکاران نخبه خارجی مانند برنامه‌های مرکز فولبرایت که در آن با همکاری انجمن ملی ورزش دانشگاهی ورزشکاران نخبه جوان شناسایی و برای ادامه تحصیلی در خاک آمریکا به آنها بورسیه داده می‌شود. • گردشگری ورزشی: سه شهر شیکاگو، لس‌آنجلس و لاس‌وگاس به ترتیب مهم‌ترین مقاصد گردشگری ورزشی ایالات متحده هستند؛ آمریکایی‌ها با کسب میزبانی‌های متعدد در رشته‌های ورزشی تلاش دارد تا با بهره‌گیری از میراث این بازی‌ها و جذب گردشگر بیشتر، اقتصاد خود را بیش از پیش شکوفا نماید؛ این کشور در هر دوره از بازی‌های المپیک یکی از شهرهای خود را به عنوان نامزد معرفی که در آخرین دوره، لس‌آنجلس توانست در رقابت با شهرهای اروپایی و آسیایی میزبانی بازی‌های المپیک ۲۰۲۸ را به دست آورد؛ این نهمین باری است که بازی‌های المپیک در خاک ایالات متحده برگزار می‌شود. • مشارکت فعال و مداوم در ابرویادهای ورزشی: مانند المپیک زمستانی که 	<p>ایالات متحده</p>

<p>سبب شده تا بسیاری از ورزشکاران این کشور رکورددار و آمریکا به‌عنوان قطب بازی‌های المپیک تابستانی و زمستانی مطرح باشد؛ به عنوان نمونه "مایکل فرد فلپس" شناگر آمریکایی طی ۵ دوره حضور در بازی‌های المپیک موفق به کسب ۲۸ مدال در این بازی‌ها شد؛ این تعداد مدال او تاکنون از مجموع مدال‌های ۱۶۱ کشور حاضر در بازی‌های المپیک بیشتر بوده است و در بازی‌های المپیک ۲۰۰۸ پکن او به تنهایی توانست ۸ مدال طلا در مواد مختلف رشته شنا برای ایالات متحده کسب نماید.</p> <ul style="list-style-type: none"> • سفیران ورزشی: اعزام ۱۳۰ ورزشکار به ۴۰ کشور طی سال‌های ۲۰۱۸-۲۰۱۵ • بازدیدکنندگان ورزشی: پذیرش ورزشکاران و سفیران ورزشی سایر کشورها از جمله روسیه، کره شمالی، بلاروس، چین؛ به عنوان نمونه "یائو مینگ" بسکتبالیست چینی سالیان سال در تیم "هیوستون راکتس" لیگ ان.بی.ای بازی و به همین دلیل چینی‌ها علاقه خاصی به تماشای این مسابقات داشتند. • صنعت سرگرمی ورزش: بسیاری از فیلم‌های سینمایی پیرامون رشته‌های ورزشی مانند بوکس، هاکی، بسکتبال، بیسبال و ... به‌دنبال ارائه پیامی خاص به مردم و به ویژه جوانان جهان هستند؛ به‌عنوان نمونه فیلم هالیوودی "بچه میلیون دلاری" که بوکسور زنی را به‌عنوان شخصیت اصلی در خود داشت توانست ۴ جایزه اسکار را از آن خود کند. فیلم رویاهای حلقه، فیلمی کلاسیک درباره بسکتبال است که تلاش دارد تا فارغ از رنگ پوست و طبقه اجتماعی افراد به بیننده این موضوع را القا نماید زمانی که شما به هدفی والاتر متعهد می‌شوید می‌توانید به نتایج چشمگیری دست پیدا نمایید؛ این دقیقاً همان مفهوم "رویای آمریکایی" مشهور در اذهان مردم جهان است. • رسانه‌ای کردن ورزش بین‌الملل: آمریکایی‌ها از رسانه به عنوان ابزاری کم‌هزینه برای حل و فصل منازعات خود استفاده می‌نمایند و به‌عنوان نمونه با پخش لیگ ان.بی.ای از اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی توانسته‌اند برای خود در عرصه جهانی مخاطب میلیاردي فراهم سازند. • برگزاری میهمانی‌های ورزشی: در سفارت‌خانه‌های ایالات متحده در سایر کشورها به مناسبت‌های مختلف از جمله جشن شکرگزاری، چهارم جولای و کریسمس از ورزشکاران مشهور کشور میزبان برای حضور دعوت می‌گردد. • شرکت ورزشکاران در فعالیت‌های خیرخواهانه: به‌عنوان نمونه ۵ ورزشکار آمریکایی ۲۸۲ کیلومتر را در شمال اتیوپی با پیامی پیرامون اطلاع‌رسانی درباره ایدز دویدند و برای بیماران آن کشور کمک جمع کردند. 	
<p>پس از ۱۵ سال ناکامی ترکیه در کسب میزبانی رویدادهای بزرگ ورزشی مانند بازی‌های المپیک تابستانی و قهرمانی فوتبال اروپا، امروزه ترکیه به عنوان کشوری با جاذبه‌های گردشگری متفاوت شایسته میزبانی ابررویدادهای ورزشی در جهان شناخته شده است؛</p>	<p>ترکیه</p>

<p>تصمیم‌گیران سیاسی ترک و در راس آنها رجب طیب اردوغان را می‌توان یکی از روسای جمهور پرتلاش در کسب میزبانی ابر رویدادهای ورزشی مانند بازی‌های المپیک دانست؛ او در یکی از آخرین تلاش‌ها برای کسب میزبانی بازی‌های المپیک ۲۰۲۴، طی دو روز ۱۸ ساعت مذاکره با اعضای اجلاس کمیته بین‌المللی المپیک در بوئس‌آیرس آرژانتین انجام داد تا بتواند اعضای این کمیته را برای دادن رای اعتماد به استانبول متقاعد نماید؛ اگرچه این کشور در رقابت با کشور آلمان (یورو ۲۰۲۴)، شهرهای توکیو (المپیک تابستانی ۲۰۲۰) و پاریس (المپیک ۲۰۲۴) برای میزبانی رویدادهای بزرگ ورزشی بازنده بود اما استانبول تلاش دارد تا ضمن معرفی خود به عنوان شهری استاندارد در منظر جهانیان بتواند به‌زودی میزبانی یک دوره از مسابقات جام جهانی فوتبال یا بازی‌های المپیک را به‌دست آورد تا از این طریق اعتبار خود را در عرصه بین‌الملل افزایش دهد.</p> <p>ترک‌ها در کنار انگیزه‌های اقتصادی خود برای میزبانی رویدادهای ورزشی مختلف در چند سال اخیر، همواره از برگزاری مسابقات رشته‌های ورزشی مختلف به‌منظور تسهیل روابط با کشورهای همجوار خود از جمله ارمنستان، یونان و سوریه بهره برده است. به‌عنوان نمونه دیپلماسی فوتبال این کشور با ارمنستان یکی از نمونه‌های موفق استفاده دیپلماتیک از ورزش برای ترکیه است؛ با وجود امضاء قرارداد آتش‌بس در ماه مه سال ۱۹۹۴ مابین ایران و آنکارا، مرزهای مشترک ترکیه و ارمنستان همچنان بسته ماند. بسته ماندن این مرزها با توجه به عدم دسترسی مستقیم ارمنستان به آبهای آزاد، از نظر اقتصادی برای ایران دارای نتایج منفی قابل ملاحظه‌ای بود. در روز هفتم سپتامبر سال ۲۰۰۸، ترکیه و ارمنستان در مرحله مقدماتی فوتبال جام جهانی در ایران، پایتخت ارمنستان روبروی هم قرار گرفتند؛ حضور غیر منتظره عبدالله گل، رئیس جمهوری وقت ترکیه در ورزشگاه به آن مسابقه رنگ سیاسی خاصی بخشید. یک سال پس از آغاز دیپلماسی فوتبال مابین دو کشور همسایه، ایران و آنکارا به عادی‌سازی روابط دو جانبه رضایت دادند. اوزساری و همکاران (۲۰۱۷) تمرکز دیپلماسی ورزشی ترکیه را بر موارد زیر خلاصه می‌نمایند:</p> <ul style="list-style-type: none"> • توسعه تعاملات با سازمان‌های بین‌المللی ورزشی • تقویت تصویر ملی • استفاده از فناوری رسانه • معرفی سفیران ورزشی به جامعه جهانی • توسعه و تقویت حضور در کمیسیون‌های مختلف اروپایی 	
<p>چینی‌ها در تاریخ تعاملات خود با سایر کشورها همواره به خوبی از ورزش به‌منظور تقویت سیاست خود بهره‌مند شده‌اند. نمونه بارز آن را نیز می‌توان در خلال دیپلماسی پینگ‌پنگ با ایالات متحده و ژاپن دید؛ تا ۱۹۴۹ چینی‌ها به‌دلیل آشوب‌های خانگی و جنگ جهانی دوم نتوانستند در عرصه بین‌الملل ورزش فعالیت خاصی داشته باشند؛ از آن زمان تا به امروز این کشور به رغم مواجهه با معضلی بنام تایوان در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی، توانست از ورزش به‌عنوان اهرمی برای تحقق سه هدف خود استفاده نماید:</p>	<p>چین</p>

<p>(۱) دیپلماسی انقلابی خود (۲) کسب مشروعیت بین‌المللی (۳) تسهیل‌کننده روابط بین‌الملل</p> <p>گانفو (بازی‌های قدرت‌های نوظهور آسیایی) اوج استفاده دیپلماتیک چین از ورزش به عنوان ابزاری انقلابی بود؛ درحالی‌که بازی‌های آسیایی ۱۹۶۲ جاکارتا به دلیل ویزا ندادن این کشور به ورزشکاران صهیونیستی و تایوانی توسط کمیته بین‌المللی المپیک لغو شد، اندونزی با حمایت چین مسابقات گانفو را با تمرکز بر کشورهای آسیایی و شمال آفریقا راه‌اندازی کرد تا این کمیته را به عنوان نهادی در دست امپریالیسم جهانی معرفی نماید. از سوی دیگر و از ۱۹۷۹ با تاسیس فدراسیون‌های ورزشی چین و عضویت این کشور در کمیته بین‌المللی المپیک، تایوان تنها می‌توانست با نام "تایپه" در مسابقات المپیک حاضر شود و این موضوع شکستی بزرگ برای دولت ملی‌گرای کومینتانگ و مشروعیت بخشیدن به چین بود.</p> <p>ورزش چین به عنوان ابزاری تسهیل‌کننده در توسعه روابط با سایر کشورها به‌ویژه ایالات متحده، کره جنوبی و ژاپن بود؛ وضعیت نامساعد امنیت چینی‌ها در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی و تهدید شوروی از یک سو و گرفتاری آمریکایی‌ها در جنگ ویتنام سبب شد تا چینی‌ها با تغییر نگرش خود از موقعیت استفاده و از مشاورین نظامی خود استفاده و با مطرح کردن دیپلماسی پینگ‌پنگ درهای خود را به روی آمریکایی باز و آنها نیز از این موضوع استقبال تا خطر قدرت گرفتن شوروی کم‌رنگ گردد. چینی‌ها در این زمان با مطرح کردن شخصیت بروسلی و نمایش فیلم‌های "مشت خشم" و "رییس بزرگ" در سینمای هنگ‌کنگ توانست از قدرت ورزش به‌ویژه ورزش‌های رزمی و شمشیربازی برای تقویت قدرت خود در فضای جنگ سرد استفاده نماید.</p> <p>چینی‌ها در رویدادهای مختلف جهانی و قاره‌ای پیشرفت چشمگیری داشتند؛ آنها در اولین حضور خود در بازی‌های آسیایی ۱۹۷۴ توانستند در تهران مقام سوم را به‌دست آورند؛ آنها در اولین حضور رسمی خود در بازی‌های المپیک نیز در المپیک ۱۹۸۴ لس‌آنجلس نیز با اعزام ۲۱۶ ورزشکار و کسب ۳۲ مدال بر جایگاه چهارم دنیا تکیه زدند که موجبات تغییر نگرش مردمان جهان به این سرزمین شد. پکن میزبانی بازی‌های المپیک ۲۰۰۰ را تنها با اختلاف ۲ رای به سیدنی واگذار کرد اما ۸ سال بعد توانست المپیک ۲۰۰۸ پکن را با شعار "المپیک سبز، المپیک انسانی و المپیک علمی" در زمان ریاست جمهوری هو جین تائو با شکوه هرچه بیشتر برگزار تا جایی که این دوره از بازی‌های المپیک را "المپیک قرن" نامیدند؛ چینی‌ها در این دوره برای اولین بار در تاریخ برگزاری بازی‌های المپیک آمریکایی‌ها را شکست و در صدر جدول رنکینگ مدال‌ها قرار گرفتند.</p>	
<p>به منظور بررسی جایگاه ورزش در روسیه در ابتدا بایستی به انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ بازگشت جایی که موجبات پیوند ناگسستنی ورزش با حکومت شوروی را فراهم کرد؛ در آن دوران کمیته ملی المپیک شوروی نهادی حکومتی بود که کمیته ورزش شوروی اعضای آن را</p>	<p>روسیه</p>

<p>انتخاب و یکی از اعضای حزب کمونیست آن را اداره می‌کرد. به صورت کلی کارکردهای پنج‌گانه ورزش در حکومت شوروی عبارتند از:</p> <ul style="list-style-type: none"> • ارتقا روابط با حامیان شوروی، همکاری با گروه‌های موافق خارجی و تضعیف قدرت بورژوازی و سوسیال دموکراسی • ترویج روابط همسایگی مناسب با دولت‌های هم‌مرز با شوروی به دلایل استراتژیک • جلب حمایت از شوروی و سیاست‌های آن در میان کشورهای در حال توسعه آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین • حفظ و اتحاد جماهیر سوسیالیستی و وضعیت سرآمدی آن • به دست آوردن موفقیت‌های ورزشی در محیط بین‌المللی به‌عنوان یک دولت-ملت به ویژه از طریق المپیک برای تقویت شوروی در خارج از مرزهای کمونیستی <p>پس از فروپاشی شوروی در ۱۹۹۱، روسیه به‌عنوان میراث‌دار اصلی آن تلاش کرد تا با انتخاب پوتین در ۱۹۹۹ نگرش نظامی گذشته خود را تغییر و از قدرت نرم به‌عنوان ابزاری برای حفظ موقعیت ژئوپولیتیک خود در هزاره جدید استفاده نماید؛ تلاش‌های پوتین به کسب میزبانی رویدادهای ورزشی طی دو دهه زمامداری در میزبانی المپیک زمستانی ۲۰۱۴ و جام جهانی فوتبال در ۲۰۱۸ موجبات معرفی روسیه به‌عنوان کشوری متمایز از شوروی سابق گردیده است.</p>
--

۸. تحلیل یافته‌ها

در ازدحام سازمان‌های غیردولتی، شرکت‌های چندملیتی و سازمان‌های بین‌حکومتی هزاره سوم، ورزش را می‌توان یک نمایش فرادیپلماتیک در نظر گرفت. با نگاهی به عملکرد سایر کشورهای جهان به خوبی می‌توان کشورهای نظیر برزیل، روسیه و چین را کشورهای هدفمند در میزبانی رویدادهای بزرگ ورزشی و توسعه اقتصادی سیاسی خود از این مسیر نام برد؛ امروزه دیپلماسی ورزشی در این کشورها توانسته است خود را به‌عنوان یک آغازگر، تقویت کننده و شتاب‌دهنده در روابط بین‌الملل کشورهای مختلف معرفی نماید.

در بعد سیاسی نیز تا پیش از جنگ جهانی دوم ورزش به‌عنوان یک سرگرمی و به‌عنوان ابزاری در دست حکومت‌ها صرفاً به منظور نشان دادن قدرت و برتری مورد استفاده قرار می‌گرفت؛ در حالی که دیپلماسی ورزش در عصر جدید در ابتدا توسط سازمان‌ها و رقبای غیررسمی کشورهای پیشرفته صورت می‌گیرد و سپس در

حکومت‌های رسمی پذیرفته می‌شود (صباغیان، ۱۳۹۴، ص. ۱۴۰). در میان کشورهای مختلف دیپلماسی ورزشی حسب جغرافیای سیاسی آنها، کنش‌ها و کارکردهای متفاوتی وجود دارد؛ پس از پشت سر گذاشتن دوره جنگ سرد، سرمایه‌گذاری کشورهای در حال توسعه مانند برزیل، هند، چین و آفریقای جنوبی (بریک) برای کسب میزبانی رویدادهای بزرگ ورزشی در کنار تصاحب کرسی‌ها و صندلی‌های بین‌المللی به‌عنوان یکی از منابع قدرت غیرملموس آنها در حال افزایش است. این کشورها از ورزش به‌عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف خود در عرصه بین‌الملل و تغییر ماهیت نظامی روابط خود استفاده می‌نمایند (اندرسون، ۲۰۱۷، ص: ۵۵). میزان حمایت دولت‌ها در کشورهایی مانند برزیل، بریتانیا، ایالات متحده، ژاپن، کانادا و استرالیا در مقایسه با کشورهایی مانند کوبا، هند، کره شمالی یا حتی پاکستان کاملاً متفاوت است. به تعبیری می‌توان گفت کشورهای فراصنعتی، با اقتصاد پیشرفته و خوش‌نام در عرصه بین‌الملل از ورزش به‌عنوان ابزاری تهاجمی، آورنده اقتدار و در نهایت تثبیت‌کننده یا بهبوددهنده وضعیت اقتصادی خود استفاده می‌نمایند. در حالی که سایر کشورها از این پدیده به‌عنوان درمانی موقت برای زخم‌های حکومتی خود استفاده می‌نمایند (اشریک، ۲۰۱۷)؛ در این میان ایالات متحده توانسته با استفاده از ستارگان ورزشی خود را به‌عنوان ابرقدرت جنگ نرم معرفی نماید؛ به علاوه برندهای ورزشی معروف این کشور مانند نایک به‌عنوان منابع بارز قدرت نرم آمریکا از زمان جنگ جهانی اول تاکنون مطرح بوده است. سیاست‌مداران این کشور پس از حادثه ۱۱ سپتامبر از ورزش به‌عنوان راهی کم‌هزینه، جذاب و پرمخاطب برای جذب مسلمانان آفریقایی و خاورمیانه استفاده کردند تا از این طریق علاوه بر تقویت تصویر خود به‌عنوان کشوری "چندملیتی آرام" در عرصه جهانی، احتمال خطرات آشوب‌آفرین و تروریستی را در کشور خود کاهش دهند. نمونه اخیر این موضوع را می‌توان شرکت جان کری (وزیر خارجه وقت ایالات متحده) در بین زنان فوتبالیست افغان مشاهده کرد. این کشور با استفاده از برنامه ایالات رشته‌های ورزشی در سه بخش ملاقات‌کنندگان رشته‌های ورزشی، نماینده سیاسی رشته‌های ورزشی و کمک هزینه رشته‌های ورزشی تلاش دارد تا قدرت نرم خود را افزایش دهد (مورای، ۲۰۱۲).

از سوی دیگر چینی‌ها را می‌توان رقیب نوظهور ایالات متحده در عرصه ورزش

جهان نامید؛ ورزش نه تنها برای آنان به عنوان کسب و کار، تفریح و سرگرمی به حساب می‌آید، بلکه به عنوان پروژه‌ای با هدف ملی طرح‌ریزی گردیده است. در این بین دولت جدید این کشور از بازی‌های ۲۰۰۸ پکن نه تنها در ابعاد مالی و سیاسی از ورزش حمایت نمود، بلکه یکی از اهداف مهم آن از کسب میزبانی بازی‌های المپیک ۲۰۰۸ پکن را کمک به موفقیت در اجلاس جهانی اکسپو در سال ۲۰۱۰ گزارش کرد (لی، ۲۰۱۳، ص. ۱۷۲۵). استرالیا نیز توانست "ملت ورزشی" را به عنوان یکی از تصاویر این کشور پیش، حین و بعد از بازی‌های المپیک مطرح نماید. بنا به گزارش کمیسیون گردشگری استرالیا، نتیجه المپیک موفق ۲۰۰۰ برای استرالیا بهبود تصویر ملی استرالیا به اندازه ۱۰ سال بود که این خود نشان‌دهنده "مدیریت تصویر" صحیح توسط برگزارکنندگان این مسابقات بود (گریکس و هولیهان، ۲۰۱۷، ص. ۵۷۵).

در این میان با تمام موفقیت‌های ورزش ایران در عرصه بین‌الملل، ساختار دیپلماسی ورزشی کشور با کمبودهای مختلفی همراه است که نبود نمایندگان ایرانی در کرسی‌های اثرگذار بین‌المللی ورزش مهم‌ترین آن است (شریعتی فیض‌آبادی، ۱۳۹۴)؛ یکی از متخصصین در این زمینه تعداد ۲۰۰ کرسی را در نهادها و سازمان‌های ورزشی منطقه‌ای، قاره‌ای و بین‌المللی برای مسئولین ایرانی گزارش، حال آنکه وی تعداد کرسی‌های مؤثر را به اندازه تعداد انگشتان یک دست می‌داند (شریعتی و گودرزی، ۱۳۹۴، ص. ۱۲۰). با بررسی ساختار سازمانی فدراسیون‌های جهانی سه رشته مدال‌آور ایران در بازی‌های آسیایی و المپیک (کشتی، تکواندو و وزنه‌برداری) مشخص است که در رشته وزنه‌برداری تنها یک نماینده ایرانی آن هم نه در سطوح فوقانی فدراسیون جهانی (رییس، نواب رییس، دبیرکل، روسای کمیسیون‌ها) بلکه تنها به عنوان عضو یکی از کمیسیون‌ها حضور دارد (خبیری و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۶). فدراسیون تکواندو دیگر فدراسیون مدال‌آور ایران، به رغم حضور در رده دوم رنکینگ جهانی این رشته، در هیچ یک از سطوح و کمیته‌های فدراسیون جهانی نماینده‌ای ندارد؛ در رشته کشتی نیز به عنوان مدال‌آورترین رشته المپیکی اگرچه وضعیت مساعدتری برای ایران در کمیته‌های (ورزشکاران، مربیان، کشتی ساحلی، تالار مشاهیر، فنی، علمی، پزشکی، رسانه و قانون‌گذاری) فدراسیون بین‌المللی وجود دارد اما هنوز هیچ ایرانی عضو

سطوح فوقانی (رییس، نواب رییس، کمیته اجرایی، خزانه دار، روسای شوراهای قاره‌ای) فدراسیون جهانی این رشته نیست (خبیری و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۱۰۹). پرواضح است که کشورهای قدرتمند در عرصه اقتصاد به خوبی از ورزش و اهرم دیپلماسی ورزش به عنوان یک برنامه هدفمند، طولانی مدت و کاملاً اجرایی در توسعه روابط بین‌الملل خود با سایر کشورها استفاده می‌نمایند. میزبانی‌های متعدد و متنوع رویدادهای چند و تک رشته‌ای آنها در دو دهه گذشته نشان‌دهنده تغییر نگرش جامعه جهانی به ورزش است. اتفاقی که به‌عنوان یک بازی دو سر برد از یک سو ضمن معرفی شهر/کشور میزبان به جامعه جهانی به عنوان کشوری مدرن، توسعه‌یافته و با اقتدار سیاسی و ازسوی دیگر با ایجاد و تقویت زیرساخت‌های لازم سود سرشاری را برای مردمان میزبان بازی‌ها به همراه دارد.

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد ورزش جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب تحولات پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشته و اگرچه روندی رو به رشد را به‌ویژه در عرصه‌های بین‌المللی در حال تجربه بوده، اما از منظر دیپلماسی ورزش هنوز الگوی درخور ایران و انقلاب اسلامی را پیدا نکرده است. سیاست‌مداران عرصه روابط دیپلماتیک کشور ایران بر خلاف سایر کشورها مانند برزیل، روسیه، چین و حتی کشور مجاور ترکیه همچنان "ادراک ورزشی" مناسبی از قدرت دیپلماتیک ورزشکاران، داوران، مربیان و به‌طورکلی موقعیت ورزش ایران ندارند و به‌رغم استفاده ابزاری و غیرمستقیم سایر کشورها از ورزش برای رساندن پیام خود به جامعه جهانی، این موضوع در دستگاه دیپلماتیک کشور ما مورد توجه لازم نیست. از یک سو نبود ارتباط میان دو بخش روابط بین‌الملل و ورزش و از سوی دیگر دید "حیات خلوت" به ورزش در بین تصمیم‌گیران حوزه دیپلماسی کشور زمینه از دست رفتن فرصت‌های کم‌هزینه و پرفایده دیپلماتیک ورزش را فراهم آورده است. نبود استراتژی کلان، نداشتن ضمانت اجرایی مناسب، و تلاش دیپلماتیک هم‌افزا (و نه جرقه‌ای) در وزارت خارجه ایران سبب شده تا ورزش نیز همانند سایر ابعاد دیپلماسی عمومی نتواند خود را به‌عنوان اهرمی سیاسی-اقتصادی

برای رسیدن به اهداف عالیه نظام مطرح نماید. در فضای پرفشار پساتحریم دولت ایالات متحده، ورزش ایران می‌تواند به‌عنوان اهرمی برای تسهیل و تقویت روابط با سایر کشورها از جمله کشورهای همسایه و اروپایی مورد استفاده قرار گیرد تا علاوه بر تقویت تعاملات ورزشی در عرصه بین‌الملل، ایران را به‌عنوان کشوری با پتانسیل بالا در جهت تعامل سازنده و محترمانه در جهان مطرح گردد.

کتابنامه

- احمدی پور، زهرا؛ جنیدی، رضا؛ بویه، چمران و حسینی دماپی، سعادت (۱۳۹۲). «مفهوم سازی ژئوپولیتیک ورزش». فصلنامه بین‌المللی ژئوپولیتیک، شماره ۳۰، صص. ۲۳-۳۷.
- خبیری، محمد و شریعتی فیض‌آبادی، مهدی (۱۳۹۵). سپتامبر سیاه؛ ورزش و تروریسم بین‌الملل، تهران: انتشارات تیک تاک.
- خبیری، محمد (۱۳۹۶). جایگاه ورزش در دیپلماسی عمومی، (طرح پژوهشی)، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های وزارت ورزش و جوانان.
- خبیری، محمد؛ سجادی، نصراله؛ علیدوست، ابراهیم و شریعتی فیض‌آبادی، مهدی (۱۳۹۴). جنبش المپیک یا جنبش دیپلماتیک، تهران: نشر تیک تاک.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۹۲). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سمت.
- سجادی، نصرالله (۱۳۹۳). ورزش و روابط بین‌الملل. تهران: انتشارات حتمی.
- شریعتی فیض‌آبادی، مهدی و گودرزی، محمود (۱۳۹۴). «جایگاه دیپلماسی ورزش در روابط بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران؛ رویکرد کیفی مبتنی بر تحلیل محتوا»، دوفصلنامه دانش سیاسی، سال یازدهم، شماره دوم، صص. ۹۵-۱۲۷.
- شریعتی فیض‌آبادی، مهدی و ناظمی، مازیار (۱۳۹۶). «طراحی مفاهیم فرهنگ صلح ساز ورزش در توسعه روابط بین‌الملل (مطالعه موردی طرح جهان عاری از خشونت و افراطی‌گری ریاست جمهور ایران)»، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال ششم، شماره ۲۴، صص. ۱۶۳-۱۸۸.
- شریعتی فیض‌آبادی، مهدی (۱۳۹۴). طراحی مؤلفه‌های شکل‌دهنده دیپلماسی ورزشی جمهوری اسلامی ایران، رساله دکترا دانشکده تربیت بدنی دانشگاه تهران.
- باقری، یوسف؛ شریعتی فیض‌آبادی، مهدی و نظریان، عباس (۱۳۹۵). «مدل‌سازی نرم مؤلفه‌های دیپلماسی ورزش»، نشریه مدیریت ورزشی، دوره ۸، شماره ۵، ۲۲، صص. ۷۹۷-۸۲۱.
- شهابی، هوشنگ (۱۳۸۸). «دیپلماسی ورزشی بین ایالات متحده و ایران»، فصلنامه گفتگو، شماره ۴۲، صص. ۷-۲۴.
- صباغیان، علی (۱۳۹۴). «دیپلماسی ورزشی»، نشریه مطالعات فرهنگ-ارتباطات، شماره ۳۱، صص. ۱۳۱-۱۵۱.

یوسفی کوپایی، غلامحسین؛ یزدانی، عنایت‌الله و امید، علی (۱۳۹۷). «تیین کاربرد قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران. در منطقه آمریکای لاتین؛ روندها و دستاوردها»، دو فصلنامه دانش سیاسی، سال چهاردهم، شماره ۲۸، صص. ۲۰۲-۱۶۹.

- Amirtash, A. M. (2005). Iran and the Asian games: The largest sports event in the Middle East. *Sport in Society*, 8(3), 449-467.
- Anderson, P. H. (2017). Quantifying the Value of Sport Diplomacy to Non-State Actors (Doctoral dissertation, University of Oregon).
- Antera, S. (2017). Adult educators' competences. The principals' view: A comparative study of Komvux and Folk high schools in Sweden.
- Castro, A. S. (2013). South Africa's Engagement in Sports Diplomacy: The Successful Hosting of the 2010 FIFA World Cup. *The Hague Journal of Diplomacy*, 8(3-4), 197-210.
- Cha, V. (2013). The Asian Games and Diplomacy in Asia: Korea-China-Russia. *The International Journal of the History of Sport*, 30(10), 1176-1187.
- Esherrick, C. Baker, R. Jackson, S. (2017). Case Studies in Sport Diplomacy, FiT Publishing
- Grix, J. (2013). Sport politics and the Olympics. *Political Studies Review*, 11(1), 15-25.
- Grix, J., & Houlihan, B. (2014). Sports Mega-Events as Part of a Nation's Soft Power Strategy: The Cases of Germany (2006) and the UK (2012). *The British Journal of Politics & International Relations*, 16(4), 572-596.
- Jackson, S. J. (2013). The contested terrain of sport diplomacy in a globalizing world. *International Area Studies Review*, 16(3), 274-284.
- Li, Y. W. (2013). Public diplomacy strategies of the 2008 Beijing Olympics and the 2012 London Olympics: A comparative study. *The International Journal of the History of Sport*, 30(15), 1723-1734.
- Markovits, A. S., & Rensmann, L. (2010). *Gaming the world: how sports are reshaping global politics and culture*. Princeton University Press.
- Marks, J. (1999). Wrestling diplomacy scores in Iran. *Peace Review*, 11(4), 547-549.
- Murray, S. (2012). The two halves of sports-diplomacy. *Diplomacy & Statecraft*, 23(3), 576-592.
- Murray, S. (2013). Moving beyond the Ping-Pong table: sports diplomacy in the modern diplomatic environment. *PD Magazine*, 9, 11-16.
- Murray, S. (2013). Sports diplomacy in the Australian context: A case study of the Department of Foreign Affairs and Trade. *Sports Law eJournal*.
- Murray, S., & Pigman, G. A. (۲۰۱۴). Mapping the relationship between international sport and diplomacy. *Sport in Society*, ۱۷(۹), ۱۱۱۸-۱۰۹۸
- Nygård, H. M., & Gates, S. (۲۰۱۳). Soft power at home and abroad: Sport diplomacy, politics and peace-building. *International Area Studies Review*, ۱۶(۳), ۲۴۳-۲۳۵
- Parrish, R. (۲۰۱۸). Sources and origins of EU sports policy. In *Research Handbook on EU Sports Law and Policy*. Edward Elgar Publishing.
- Pigman, G. A., & Rofe, J. S. (۲۰۱۴). Sport and Diplomacy. An Introduction. *Sport in Society*, ۱۷(۹), ۱۰۹۷-۱۰۹۵
- Postlethwaite, V., & Grix, J. (۲۰۱۶). Beyond the acronyms: Sport diplomacy and the classification of the International Olympic Committee. *Diplomacy & statecraft*, ۲۷(۲), ۳۱۳-۲۹۵
- Qing, L., & Richeri, G. (2010). Special Issue: Encoding the Olympics-the Beijing Olympic Games and the communication impact worldwide. *International Journal of the History of Sport*, 27(9/10), 1409-1716.
- Rowe, D. (۲۰۱۸). Football, diplomacy and Australia in the Asian century. In *Sport and diplomacy*. Manchester University Press.
- Satterfield, L. (2013). Smart Power: Using Sports Diplomacy to Build A Global Network to Empower Women and Girls, *Public Diplomacy Magazine*, <http://publicdiplomacymagazine.com/wp-content/uploads/2013/02/50-51.pdf>.